

بررسی اثرات عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر کیفیت حکمرانی: مطالعه موردی کشورهای

دارای رانت منابع طبیعی

عباس عرب‌مازار^۱حجت ایزدخواستی^۲سعید بیگ‌محمدی^۳

چکیده:

یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی پایدار، نهادهای با کیفیت بالا در کشورها هستند. از این‌رو، شناسایی عوامل تعیین‌کننده کیفیت نهادی و به طور خاص کیفیت حکمرانی، امکان اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت افزایش کیفیت حکمرانی را فراهم می‌کند. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی اثرات عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر کیفیت حکمرانی است. در این مطالعه از داده‌های ۳۲ کشور دارای رانت منابع طبیعی در دوره زمانی (۲۰۱۵-۲۰۰۲) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سطح توسعه یافتگی، سیاست‌های مالیاتی، آزادی مطبوعات، حقوق سیاسی و آزادی مدنی، تأثیر مثبت و معنی‌دار و رانت منابع طبیعی، شهرنشینی و آموزش تأثیر منفی بر کیفیت حکمرانی در کشورهای مورد مطالعه داشته‌اند. به علاوه اثر تعاملی شهرنشینی و آموزش با حقوق سیاسی و آزادی مدنی رابطه مستقیم با کیفیت حکمرانی دارند. این نشان می‌دهد که افزایش شهرنشینی و آموزش باید همزمان با افزایش حقوق سیاسی و آزادی مدنی شهروندان صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حکمرانی، رانت منابع طبیعی، آزادی مدنی، آزادی مطبوعات

طبقه‌بندی JEL : O13, O11, D73, C23

Investigating the Effect of Economic, Social and Political Factors on Governance Quality: Case Study of Countries with Natural Resources Rents

۱- دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، پست الکترونیکی: ab_arabmazar@sbu.ac.ir

۲- استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: h_izadkhasti@sbu.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، پست الکترونیکی: s.beygmohammadi@mail.sbu.ac.ir

Abas Arab Mazar¹
Hojjat Izadkhasti²
Saeed Beygmohammadi³

Abstract

One of the most important factors that effect on theeconomic growth and sustainable development is high quality institutionsin countries. Therefore, identifying the determinants of quality of institutions,especially those related to quality of governance,will provide appropriatepolicies toward increasing quality of governance. The main purposeof this study is investigation ofthe effect of the economic, social and political factors on quality of governance. In this study we have used the data of 32 countries with natural resource rent in the period (2002-2015). The results show that level of development, tax policy, freedom of press, political rights, and civil freedom have positive,and natural resource rent, urbanization and education have negative and significanteffect on quality of governance. Also, the interaction effect of urbanization and education with political rights and civil freedom have direct relationship with quality of governance.This shows that increasing of urbanization and educationshould be accompanied by increase in political rights and civil freedom for citizens.

Key Words: Quality of Governance, Natural Resource Rent, Civil Freedom, Freedom of Press, Panel Data

JEL classification: C23, D73, O11, O13

۱-مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی پایدار همواره یکی از مهم‌ترین اهداف و دغدغه اصلی کشورهای در حال توسعه است. از این‌رو، اقتصاددانان در تلاش جهت شناسایی علل توسعه اقتصادی براساس وجود موهبت‌های طبیعی و

1. Associate Professor, Faculty of Economic and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email.ab_arabmazar@sbu.ac.ir

2. Assistant Professor, Faculty of Economic and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email.h_izadkhasti@sbu.ac.ir

3.M.A Student in Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email. s.beygmohammadi@sbu.ac.ir

تکنولوژیکی هستند. براساس دیدگاه اقتصاد نهادی، تفاوت در نهادها، عامل بنیادی در توضیح تفاوت در رشد اقتصادی کشورها است (آسم اغلو، جانسون و رایبسون^۱، ۲۰۰۵). این دیدگاه بر تأثیر چارچوب هنجاری و نهادی برای سرعت بخشیدن بیشتر به توسعه اصرار دارد. بنابر نظر صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد نهادی، عواملی مانند نوآوری، مقیاس اقتصاد و انباشت سرمایه باعث رشد اقتصادی نمی‌شوند، بلکه خود رشد هستند (نورث و توماس^۲، ۱۹۷۳). یا به عبارت دیگر، نهادها نقش کلیدی در تعیین و تبیین رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارند و همچنین متاثر از آنها نیز می‌باشند. گریف^۳ (۲۰۰۶)، نهاد را به عنوان مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، قوانین، باورها، ارزش‌ها و سازمان‌هایی که به طور منظم انگیزه مشترکی در رفتارهای فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند، تعریف کرده است. نهادها به عنوان قراردادهای موقت، رفتارها را در سطوح شخصی و اجتماعی شکل می‌دهند. ساختار نهادی، انگیزه‌ها، مجازات، رفتار اجتماعی و اقدام جمعی که از شرایط توسعه هستند را تعریف و تشریح می‌کند، به عبارت دیگر، نهادها قوانین بازی در جامعه یا به طور رسمی، محدودیت‌های طراحی شده که تعامل انسان‌ها را شکل می‌دهند، می‌باشند (نورث، ۱۹۹۰).

دولت به عنوان یک نهاد، در فرایند رشد و توسعه اقتصادی نقش بسیار مهم و کلیدی بر اساس وظایف خود، بر عهده دارد. دولت با حکمرانی و ایجاد نهادها، سبب تسهیل فرایند رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. اگرچه مباحث گسترده‌ای توسط سیاست‌گذاران و اندیشمندان برای مفهوم حکمرانی بیان شده است اما یک اجماع در مورد مفهوم حکمرانی وجود ندارد. افراد و سازمان‌ها تعاریف متفاوتی برای حکمرانی ارائه کرده‌اند. حکمرانی، سنت‌ها و نهادهایی است که توسط حاکمان در یک کشور اعمال و اجرا می‌شوند، این تعریف شامل ۱- فرایندی که یک دولت انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شود؛ ۲- توانایی دولت در تعیین و اجرای اثربخش سیاست‌ها؛ ۳- احترام شهروندان و حکومت برای نهادهایی که تعاملات اقتصادی اجتماعی میان آنها را اداره می‌کند، می‌باشد (کافمن، کری و ماستروزی^۴، ۲۰۱۰). همچنین در تعریف دیگر، حکمرانی به عنوان توانایی دولت برای ایجاد و اجرای قوانین و ارائه خدمات بدون در نظر گرفتن اینکه دولت دموکراتیک است یا نه تعریف می‌شود (فوکویاما^۵، ۲۰۱۳). با توجه به تعاریف ارائه شده، باید نقش و اهمیت حکمرانی مورد توجه قرار بگیرد به طوری که، آگاهی علمی بر نقش و اهمیت حکمرانی و نهادها را می‌توان به عنوان بخشی کامل از تحقیقات در حال پیشرفت در جهت تعیین-کننده‌های عمیق رشد و توسعه اقتصادی مشاهده کرد (رودریک، سابرامانین و تریبی^۶، ۲۰۰۲).

در کشورهای صادرکننده منابع طبیعی همانند ایران، دولت بخشی از درآمدهای خود را از طریق فروش منابع طبیعی همچون نفت، گاز و زغال سنگ کسب می‌کند. این درآمدها به دلیل اینکه از درون جامعه و از طریق مالیات‌ستانی کسب نمی‌شود، باعث استقلال دولت از جامعه می‌شود و در چگونگی تخصیص این درآمدها به مردم و جامعه مدنی پاسخگو نمی‌باشد. به عبارت کلی‌تر درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی

1-Acemoglu, Johanson & Robinson

2- North & Thomas

3- Greif

4- Kaufmann, Kraay & Mastruzzi

5- Fukuyama

6- Rodrik, Subramanian & Trebbi

تأثیر منفی دارد. سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا صرفاً وفور منابع طبیعی در برخی کشورها سبب پایین بودن کیفیت حکمرانی در این کشورها شده است؟ یا عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در این بین نقش پررنگ‌تری دارند. در مطالعات انجام شده، بیشتر بر اهمیت کیفیت نهادی یا به عبارتی کیفیت حکمرانی بر متغیرهای اقتصادی تأکید شده است (آسم اوغلو، جانسون و رابینسون، (۲۰۰۲)؛ رودریک و همکاران (۲۰۰۲)؛ هوانگ و هنگ^۱ (۲۰۱۶)، (۲۰۱۸) کوهن، هولدر وب و خلیل^۲ (۲۰۱۷))، اما شناسایی عوامل اثرگذار بر کیفیت نهاد دولت از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا با شناسایی این عوامل، امکان پیاده‌سازی سیاست‌هایی در جهت ساختن یک نهاد بهتر و کارآمد وجود دارد. از این‌رو نوآوری این مطالعه این است که علاوه بر بررسی عوامل اقتصادی به بررسی همزمان عوامل سیاسی و اجتماعی اثرگذار بر کیفیت حکمرانی با استفاده از داده‌های تابلویی پرداخته می‌شود.

در ادامه، در بخش دوم، به ادبیات موضوع در زمینه عوامل اثرگذار بر کیفیت حکمرانی پرداخته شده است. در بخش سوم، پیشینه تحقیق در زمینه عوامل اثرگذار بر کیفیت حکمرانی بیان شده است. بخش چهارم، به تصریح مدل و معرفی متغیرها مورد استفاده در آن اختصاص دارد. در بخش پنجم، برآورد مدل‌های تصریح شده و تحلیل نتایج صورت گرفته است. در نهایت، به نتایج تجربی و ارائه پیشنهادها پرداخته شده است.

۲- ادبیات موضوع

اندیشمندان متعددی به نقش و اهمیت کیفیت محیط نهادی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در رشد و توسعه پایدار اشاره کرده‌اند (آسم اوغلو، جانسون و رابینسون^۳ (۲۰۰۱)، داگلاس نورث^۴ (۱۹۹۳)، رودریک، سابین و تریبی (۲۰۰۲)). در کشورهای غنی از منابع طبیعی، درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی یکی از مهم‌ترین منبع درآمدی دولت به حساب می‌آید. از این‌رو، نظرات متعددی در زمینه تأثیرگذاری این درآمدها بر محیط نهادی و کیفیت حکمرانی وجود دارد. در زمینه تأثیرگذاری وفور منابع طبیعی بر محیط نهادی سه نظریه، الف) دولت رانتیر ب) مایکل راس و بلائی منابع مطرح شده است.

۱-۲- نظریه دولت رانتیر

اقتصاددانان اوایل قرن بیستم، واژه دولت رانتیر را برای اشاره به گروهی از دولت‌های اروپایی به کار بردند که وام‌هایی را به دولت‌های غیر اروپایی پرداخت می‌کردند (میرترابی، ۱۳۹: ۱۴). مهدوی، نخستین بار واژه دولت رانتیر را در مفهوم کنونی آن به کار برده است. بنابر نظر وی، دولت رانتیر مهم‌ترین منبع تأمین امور مالی در نظام اقتصادی را در اختیار دارد. این دولت به خاطر اتکا به درآمدهای بادآورده، دو ویژگی بارز دارد: یکی داشتن افق دید کوتاه مدت در سیاست‌گذاری و دیگری سیاست‌گذاری شتاب زده و نسنجیده (همان). ببلاوی^۵ (۱۹۸۷)، با ارائه چند نکته، تعریف صریح و دقیقی از دولت رانتیر ارائه می‌کند. نخست به این نکته اشاره می‌کند که چیزی به

1-Huang & Hong

2- Cohen, Holder-Webb & Khalil

3- Acemoglu, Johnson & Robinson

4- North

5- Beblawi

عنوان یک اقتصاد خالص رانتیر وجود ندارد و در هر نظام اقتصادی، در برخی عناصر رانت وجود دارد. بنابراین، یک اقتصاد رانتي اقتصادي است که شرایط رانتي در آن غالب است. در ادامه به این مسئله پرداخته می‌شود که یک اقتصاد رانتي، اقتصادي است که به میزان قابل توجهي به رانت خارجي متكي است. وجود رانت داخلي بيانگر وجود یک طبقه یا گروه قدرتمند در اقتصاد مورد نظر است. همچنین، باید توجه داشت که بدون وجود بخش مولد داخلي، رانت داخلي نمی‌تواند ادامه داشته باشد. سوم اینکه، در یک دولت رانتیر که می‌توان آن را به عنوان یک اقتصاد رانتیر در نظر گرفت، تعداد اندکی از افراد در تولید این رانت نقش دارند. در عین حال اکثر افراد جامعه تنها در عرصه توزیع یا مصرف رانت فعال هستند. در کشورهای تولید کننده منابع طبیعی و به ویژه نفت، نقش درآمدهای نفتی آنچنان بزرگ است که تقریباً می‌توان گفت این درآمدها، عامل سایر فعالیت‌های اقتصاداند. چهارم اینکه، در یک دولت رانتیر، حکومت به عنوان دریافت کننده اصلی رانت خارجي در اقتصاد است. این مساله اهمیت بسیاری دارد و آثار آن در همه زمینه‌های اجتماعي اقتصاد، فراتر می‌رود (میرترابی، ۱۳۹۱). برای شکل‌گیری و ایجاد هر نوع ساختار دولت به منابعي برای تأمین مالی نیازمند است و تأمین مالی نیز بر پایه واقعیت‌های اقتصادي موجود پدید می‌آید. از این‌رو، منابع درآمدی دولت بر قواعد سياسي در هر کشور تأثیر می‌گذارد (لوسیانی^۱، ۱۹۸۶). به طور خلاصه، در مباحث مطرح شده توسط مهدوی، لوسیانی و ببلاری به منابع درآمدی دولت توجه ویژه‌ای شده است و رانتهای خارجي آثار شگرفي بر ساختار و پويش‌های داخلي دولت و همچنین جامعه برجای می‌گذارند. به علاوه، رانتهای خارجي نوعي انحراف در مسیر شکل‌گیری ساختارهای دولت ایجاد می‌کند و روند توسعه اجتماعي و سياسي جوامع نفت خیز را مختل می‌نماید (میرترابی، ۱۳۹۱). در ادامه به بیان نظریه مایکل راس^۲ در مورد اثر رانتهای خارجي بر محیط نهادي پرداخته می‌شود.

۲-۲- نظریه تأثیر رانت منابع بر دموکراسی

حداقل سه مکانیزم برای ارتباط بین صادرات نفت و اقتدارگرایی می‌توان مطرح کرد. اولین مکانیزم که برای بیشتر کشورهای خاورمیانه می‌توان به کاربرد اثر رانتیر می‌باشد. دومین اثر مربوط به اثر سرکوب سومین اثر نیز اثر مدرنیزاسیون است.

۲-۲-۱- اثر رانتیر

اثر رانتیر حاصل اندیشه و پژوهش اندیشمندان خاورمیانه می‌باشد. به طور کلی، چنین استدلال می‌شود که دولت از درآمدهای نفتی برای کاهش فشارهای اجتماعي که ممکن است سبب افزایش تقاضای بیشتر برای پاسخگویی شود، استفاده می‌کند. کاهش فشارهای اجتماعي از سه طریق اتفاق می‌افتد. اولین اثر مربوط به اثر مالیات‌ستانی است. بدین صورت که وقتی دولت درآمد کافی از طریق فروش منابع طبیعی بدست می‌آورد، به احتمال زیاد مالیات کمتری از فعالان اقتصادي دریافت می‌کند. از این‌رو تقاضا و مطالبه مردم برای پاسخگویی دولت در قبال وظایف کاهش می‌یابد. استدلال‌های مربوط به این اثر به مطالعات مربوط به نهادهای دموکراتیک در اوایل صنعتی شدن کشورهای انگلستان و فرانسه مربوط می‌شود. دانشمندان علوم سياسي و تاریخ چنین استنباط می‌کنند که مطالبه برای پاسخگویی در برابر عملکرد دولت، خود در مواجهه با افزایش مالیات صورت گرفته است.

1- Luciani

2- Ross

همچنین، ارتباط نزدیک بین سطوح متفاوت مالیات و مطالبه برای پاسخگویی سیاسی را تایید می‌کنند. دومین اثر، مربوط به اثر هزینه‌ای است. از ثروت نفت به تخصیص منابع برای حمایت و پشتیبانی از افراد جامعه برای تعدیل و کاهش فشارها برای دموکراسی استفاده می‌شود. به طور مثال عربستان سعودی از ثروت نفت برای پروژه‌هایی که سبب کاهش فشارهای اجتماعی در برابر مطالبه برای دموکراسی است استفاده می‌کند. سومین اثر مربوط به تشکیل گروه‌ها می‌شود. مکانیزم اثرگذاری بدین صورت است که اگر دولت درآمد کافی از فروش نفت داشته باشد، مانع تشکیل گروه‌های مستقل از دولت می‌شود. از این‌رو، سبب کاهش مطالبه برای حقوق سیاسی می‌شود. ریشه این بحث مربوط به ادعای (مور^۱ ۱۹۹۳)، مبنی بر اینکه ایجاد گروه‌های مستقل از دولت سبب تسهیل دموکراسی در انگلستان و فرانسه شده است، می‌باشد. همچنین می‌توان به مباحث (پاتنام^۲ ۱۹۹۳) در زمینه سرمایه اجتماعی و نهادهای اجتماعی اشاره کرد. دولت‌های دارای ثروت نفت، از این ثروت بر ممانعت از تشکیل گروه‌ها استفاده می‌کنند. تشکیل نهادهای اجتماعی سبب تشویق هرچه بیشتر جامعه به دموکراسی بیشتر می‌شود. به طور خلاصه سه اثر مالیاتی، مخارجی و تشکیل گروه‌ها اثر رانتیر را تشکیل می‌دهند. همه این اثرات دلالت بر این دارند که سیاست‌های مالی دولت بر نوع حکومت اثرگذار است. کشورهایی که منابع مالی خود را از طریق فروش نفت و سایر منابع طبیعی به دست می‌آورند به احتمال زیاد اقتدارگرا هستند. ولی کشورهایی که منابع و درآمدهای خود را از طریق مالیات کسب می‌کنند به مراتب دموکراتیک‌تر هستند (راس، ۲۰۰۱).

۲-۲-۲- اثر سرکوب

ثروت نفت و اقتدارگرایی امکان ارتباط از طریق سرکوب را دارند. شهروندان کشورهای دارای منابع طبیعی همانند شهروندان سایر کشورها خواستار دموکراتیک شدن ساختار حکومت می‌باشند. اما ثروت منابع طبیعی برای حکومت این امکان را فراهم می‌کند که هزینه مازاد در بخش امنیت صرف سرکوب فشارهای اجتماعی شود. در این راستا، اسکوکپول^۳ (۱۹۸۲)، در یاداشتی به این نکته اشاره می‌کند که در ایران قبل از ۱۳۵۷ ثروت نفت برای ایجاد ارتش قدرتمند خرج شده است. از این‌رو به دولت ایران قبل از انقلاب را دولت مطلق رانتیر نامیده است. حداقل دو دلیل درمورد اینکه چرا ثروت منابع طبیعی به بزرگ شدن ارتش می‌شود، وجود دارد. اول اینکه امکان مقابله بهتر با فشار مردمی وجود دارد. دوم اینکه، وجود ثروت منابع طبیعی سبب نزاع بین قومی و منطقه‌ای می‌شود. وجود منابع معدنی در یک منطقه جغرافیای خاص و استخراج این منابع سبب تنش بین منطقه‌ای و قومی را تشدید می‌کند. تنش و جدل منجر به بزرگ‌تر شدن نیروی نظامی و کاهش دموکراسی در کشور غنی از منابع طبیعی خواهد شد (همان).

۲-۲-۳- اثر نوسازی

سومین اثر در رابطه با اثرگذاری ثروت نفت بر دموکراسی و کیفیت نهادی استفاده از تئوری نوسازی است. در این تئوری علت ایجاد دموکراسی در یک کشور نتیجه تغییرات اجتماعی و فرهنگی همچون تخصص در اشتغال، شهرنشینی و سطح بالای آموزش می‌باشد. پژوهشگران چهارچوب متفاوتی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی را ارائه

1- Moore
2- Putnam
3- Skopol

می‌کنند. در این میان شاید مهمترین نظر مربوط به نظر اینگلههارت^۱ است. وی چنین استدلال می‌کند که دو نوع تغییرات اجتماعی سبب تأثیر مستقیم بر دموکراتیک شدن حکومت دارد: ۱- افزایش سطح آموزش ۲- افزایش تخصص در مشاغل یا به عبارتی تخصصی شدن مشاغل؛ وی معتقد است که اگر دموکراسی به طور طبیعی با افزایش ثروت ایجاد شود از این رو کویت و لیبی باید دارای دموکراسی باشند. به عبارتی دیگر، اگر منابع طبیعی سبب رشد شود، ولی سبب افزایش سطح آموزش و تخصصی شدن مشاغل نشود، سبب شکست در ایجاد جامعه دموکراتیک خواهد شد. برخلاف اثر رانتیر و سرکوب، اثر نوسازی یک مکانیزم اجتماعی و نه یک مکانیزم سیاسی می‌باشد. همچنین، اثر رانتیر، سرکوب و نوسازی به طور کامل یکدیگر هستند. اثر رانتیر بر استفاده از مکانیزم مالی بر کاهش فشار برای دموکراتیک شدن تأکید دارد. در حالی که اثر سرکوب به استفاده حکومت از زور و سرکوب بر کاهش فشار برای دموکراتیک شدن اشاره دارد. اثر نوسازی نیز بر نیروی‌های اجتماعی برای کاهش و نگهداری فشارهای عمومی تأکید می‌کند (راس ۲۰۰۱).

۲-۳- نظریه بلای منابع^۲

در بررسی آثار منفی اتکای دولت‌ها به فروش منابع طبیعی دو رویکرد مطرح شده است: یکی بر آثار سیاسی و دیگری بر آثار اقتصادی و اجتماعی اتکا به رانت خارجی تأکید دارد. امروزه رویکرد دوم اغلب در چارچوب بلای منابع شناخته شده است (میرترابی، ۱۳۹۱: ۲۶). ایده اصلی بلای منابع بر این پایه استوار است که عموماً صادرات نفت در خلال چهل سال گذشته آثار منفی بر روند توسعه برجای گذاشته است. صادرات نفت سبب رشد اقتصادی کمتر از اندازه، متنوع نشدن ساختار اقتصادی، پایین بودن شاخص رفاه اجتماعی، سطوح بالای فقر و نابرابری، آثار تخریب زیست محیطی در سطوح محلی، فساد افسار گسیخته، اداره و حکمرانی نامناسب و سرانجام شاخص‌های بالای منازعه و جنگ می‌شود (همان: ۲۷). درآمدهای حاصل از استخراج نفت، مستقیماً وارد خزانه دولت می‌شود. این درآمدها ممکن است در قالب بهره مالکانه یا رانت پرداخت شده توسط شرکت‌های نفتی خارجی باشند. و یا به صورت مالیات‌ها و سودهایی باشند که از شرکت‌های نفتی دولتی به دست می‌آیند. اینترتیبات، انگیزه لازم برای ایجاد نظام‌های مالیاتی جدا از بخش نفت را از میان می‌برد و وابستگی شدیدتر نفت را به همراه دارد. در این حال حکومت‌هایی که کنترل خزانه دولت را در دست دارند، نیازی به گرفتن مالیات از مردم پیدا نمی‌کنند. به همین علت زنجیره‌ای که مالیات‌گیری، نمایندگی از مردم و پاسخگویی دولت را به هم پیوند می‌زند، از هم گسسته می‌شود. اتکا به نفت به عنوان مانعی در برابر انجام فعالیت‌های مولدتر عمل می‌کند و در عین حال پاسخگویی حکومت را که از ناحیه وسواس مالیات‌دهندگان در زمینه شیوه هزینه کردن درآمدهای دولت پدید می‌آید، از میان بر می‌دارد (کارل^۳، ۲۰۰۵). کسب میزان قابل توجه درآمدهای دولت از طریق درآمدهای منابع طبیعی سبب تضعیف دولت، آسیب‌پذیر بودن در برابر رانت‌جویی و عدم پیشرفت در اتخاذ سیاست‌های توسعه می‌شود. با توجه به ساختار درآمدی دولت، حاکمان تمایلی برای سرمایه‌گذاری در جهت افزایش ظرفیت دموکراسی نخواهند داشت (برولی و همکاران^۴، ۲۰۱۳). همچنین برخی پژوهشگران ارتباط بین وفور منابع طبیعی و فساد را با توجه به نوع

1- Inglehart
2- Resource Curse
3- Karl
1-Brollo & et al.

سیستم سیاسی چنین بیان می‌کنند: منابع طبیعی در کشورهای اقتدارگرا بیشتر از کشورهای دارای دموکراسی منجر به فساد می‌شود (باتاچاریا و هولدر^۱، ۲۰۱۰؛ آندرسون وهمکاران^۲، ۲۰۱۷؛ آریزکی و گلیفاسون^۳، ۲۰۱۳). همچنین لانگ و وینتال^۴ (۲۰۱)، چنین بیان می‌کنند که درآمدهای نفت زمانی منجر به کیفیت پایین نهادی می‌شود که دولت نقش اصلی در صنعت نفت دارد، اما زمانی که بخش خصوصی یا سرمایه‌گذاران خارجی نقش مهم‌تری در این صنعت دارند، دولت به احتمال زیاد دارای نهادهای مالی قدرتمندتری است. این نکته را نیز باید خاطر نشان کرد که عوامل متعدد، همچون فرهنگ عمومی، ساختار اجتماعی می‌توانند بر کیفیت حکمرانی اثرگذار باشند، اما حداقل بر اساس برخی شرایط ثروت منابع طبیعی تأثیر منفی بر کیفیت حکمرانی دارد (راس، ۲۰۱۵).

۳- پیشینه تحقیق

در تبیین ادبیات موضوع یکی از مواردی که به فهم دقیق آن کمک می‌کند، بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده مربوط است؛ به همین دلیل ابتدا به مطالعات خارجی سپس به مطالعات داخلی پرداخته می‌شود.

۳-۱- مطالعات خارجی

آسونگو و ناچوکو^۵ (۲۰۱۷)، در مطالعه خود تأثیر تروریسم بر شاخص‌های حکمرانی خوب ۵۳ کشور آفریقایی برای دوره زمانی (۲۰۱۲-۱۹۹۸)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی، بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که (۱) تروریسم تأثیر منفی بر حکمرانی سیاسی (ثبات سیاسی و اظهار نظر و پاسخگویی) و حکمرانی اقتصادی (اثر بخشی دولت و کیفیت قوانین) دارد. (۲) تروریسم تأثیر معنی‌داری بر حکمرانی نهادی (حاکمیت قانون و کنترل فساد) ندارد. همچنین در مقایسه با تروریسم داخلی، تروریسم فراملیتی تأثیر منفی قابل توجهی بر حکمرانی سیاسی، اقتصادی و عمومی دارد.

دِتوتو، جیانونی و گووایک^۶ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان " آیا حکمرانی خوب سبب جذب توریست می‌شود؟" به بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر عملکرد صنعت توریست در ۱۰۰ کشور برای دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۰۲)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا^۷ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی نقش بسیار مهمی در تفاوت عملکرد صنعت توریست کشورهای مختلف دارد. آلونسو و گارسیمارتین^۸ (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی عوامل تعیین کننده کیفیت نهادی با استفاده از داده‌های مقطعی در سال (۲۰۰۶)، پرداخته‌اند. در این پژوهش متغیرهای توضیح دهنده به دو گروه متغیرهای اقتصادی و تاریخی تقسیم شده‌اند. متغیرهای اقتصادی شامل: تولید ناخالص داخلی سرانه، توزیع درآمد، درجه باز بودن اقتصاد، آموزش و مالیات است. همچنین

2.- Bhattacharyya & Hodler

3-Andersen&et al.

4- Arezki & Gylfason

5-Luong & Weinthal

6- Asongu &Nwachukwu

7- Detotto, Giannoni & Goavec

8- Dynamic panel data approach

9- Alonso & Garcimartín

متغیرهای منشأ سیستم قانون‌گذاری، کشورهای استعمار کننده، شرایط جغرافیایی و منابع طبیعی با ارزش به عنوان متغیرهای تاریخی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق که در دو مدل مجزا برآورد شده است، رابطه مثبت بین سطح درآمد، توزیع درآمد، کارایی سیستم مالیاتی و آموزش بیان می‌کند. اما متغیرهای تاریخی کیفیت حکمرانی تأثیر معنی‌داری ندارند. علت این امر به تأثیر غیر مستقیم این متغیرها بر متغیرهای اقتصادی است.

تسانی^۱ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان "منابع طبیعی، حکمرانی و کیفیت نهادی؛ نقش منابع مالی" به تأثیر صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های منتخب کیفیت حکمرانی برای ۹۱ کشور دارای منابع طبیعی از دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۹۶)، پرداخته است. در این مقاله در کنار متغیرهای اقتصادی، مانند تولید ناخالص سرانه، درجه آزادی تجاری و صادرات منابع طبیعی به تأثیرگذاری متغیرهای تاریخی مانند مذهب، تنوع قومی و زبانی و متغیرهای سیاسی همچون تقسیم‌بندی قانون‌گذاری و متغیر جمعیتی بر کیفیت حکمرانی، پرداخته شده است. نتایج این تحقیق رابطه منفی صادرات منابع طبیعی و رابطه مثبت بین همگنی در مذهب، قوم و زبان؛ جمعیت، تقسیم‌بندی قانون‌گذاری با کیفیت حکمرانی و نهادی را تأیید می‌کند.

آرزکی و گلیفسون^۲ (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای به تأثیر متقابل رانت منابع و دموکراسی بر فساد و درگیری‌های داخلی برای ۲۹ کشور صحرای آفریقا برای دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۸۵)، پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیان می‌کند که رانت منابع زیاد منجر به ایجاد فساد می‌شود و این موضوع در کشورهای دارای دموکراسی پایین از شدت بیشتری برخوردار است. همچنین رانت منابع منجر به درگیری داخلی کمتر می‌شود. این امر به دلیل توانایی نخبگان سیاسی کشورهای مورد مطالعه در توزیع رانت در سطح عموم می‌باشد. باس و گرونینگ^۳ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای به تأثیر صادرات منابع طبیعی بر حکمرانی با تأکید بر نظریه بلای منابع پرداخته‌اند. در این مقاله از اطلاعات ۱۲۹ کشور صادر کننده منابع طبیعی برای دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۸۴)، استفاده شده است. آن‌ها متغیرهای فساد، کیفیت بروکراسی، نظم و قانون را به عنوان متغیرهای کیفیت حکمرانی و متغیرهای آزادی مطبوعات، جمعیت، تولید ناخالص داخلی، شدت نزاع به عنوان متغیرهای توضیح دهنده به کار برده‌اند. نتایج تحقیق تأثیر منفی صادرات منابع طبیعی بر متغیرهای فساد، کیفیت بروکراسی و نظم و قانون را تأیید می‌کند.

تیریسمن^۴ (۲۰۰۷)، در پژوهشی به بررسی عوامل اثرگذار بر شاخص ادراک فساد کشورهای منتخب پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فساد با سطح توسعه یافتگی، درجه باز بودن اقتصاد و دموکراسی رابطه منفی و با وابستگی به منابع طبیعی (صادرات منابع طبیعی) رابطه مثبت داشته است.

۲-۳- مطالعات داخلی

محمدزاده، حکمتی فرید و شریفی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. در این مقاله از اطلاعات ۵۰ کشور منتخب برای دوره زمانی (۲۰۱۳-۱۹۹۶)، و روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج بیان‌کننده این است که اشتغال تأثیر مثبت اما اندازه

1- Tsani
2- Arezki & Gylfason
3- Buss & Groning
4- Treisman

دولت و تورم تأثیر منفی بر روی کیفیت حکمرانی دارند. شاخص توسعه انسانی، صادرات و واردات کالاهای حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارند. مرادی و همکاران (۱۳۹۶)، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد را با استفاده از داده‌های کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا در بازه زمانی (۲۰۱۵-۲۰۰۴)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی حاکمیت قانون و حق اظهار نظر و پاسخگویی رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیر کارایی و اثربخشی دولت رابطه منفی و معنی‌داری با کنترل فساد دارند.

معینی‌فرد و مهرآرا (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه برای دوره (۲۰۱۴-۱۹۹۶)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق اثر منفی وفور منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی خوب را تایید می‌کند. همچنین درآمد سرانه و درآمدهای مالیاتی و کمک‌های بلاعوض، اثر مثبت و جمعیت اثر منفی و معنی‌داری بر کیفیت حکمرانی دارند. محسنی زنوزی، شهبازی و پرناک (۱۳۹۳)، به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک برای دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۶)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که درآمدهای نفتی و شاخص اندازه دولت شاخص‌های حکمرانی خوب اثر منفی و سرمایه‌گذاری خارجی بر شاخص‌های حکمرانی تأثیر مثبت دارد.

پورجوان و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته برای دوره زمانی (۱۹۹۶-۲۰۱۱)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های کیفیت حکمرانی تأثیر منفی دارد. همچنین درآمد سرانه واقعی، جمعیت، تأثیر مثبت و معنی‌داری کیفیت حکمرانی دارند.

۴- تصریح الگو و معرفی متغیرها

در این بخش برای مدل‌سازی و برآورد تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر کیفیت حکمرانی از رویکرد اقتصادسنجی داده‌های تابلویی استفاده شده است. مزیت استفاده از داده‌های تابلویی این است که مدل‌ها دارای اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، همخطی کمتر میان متغیرها، درجه آزادی و کارایی بیشتر است. به طور کلی، داده‌های تابلویی تحلیل‌های تجربی را به شکلی غنی می‌سازند که در صورت استفاده از داده‌های سری زمانی یا مقطعی این امکان وجود ندارد (گجراتی^۱، ۱۳۹۳: ۱۱۴۳). تصریح مدل‌ها در این مطالعه به پیروی از (باس گرونینگ، ۲۰۱۱؛ آلونسو و گاریسمارتین، ۲۰۱۳ و تسانی، ۲۰۱۳)، در زمینه عوامل اثرگذار بر کیفیت حکمرانی صورت گرفته است.

$$QG_{it} = \beta_0 + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 NAR_{it} + \beta_3 TAX_{it} + \beta_4 URP_{it} + \beta_5 PF_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$QG_{it} = a_0 + a_1 GDP_{it} + a_2 NAR_{it} + a_3 TAX_{it} + a_4 URP_{it} + a_5 CR_{it} + \gamma_{it} \quad (۲)$$

$$QG_{it} = \theta_0 + \theta_1 GDP_{it} + \theta_2 NAR_{it} + \theta_3 TAX_{it} + \theta_4 URP_{it} + \theta_5 PR_{it} + \vartheta_{it} \quad (۳)$$

$$QG_{it} = \delta_0 + \delta_1 GDP_{it} + \delta_2 NAR_{it} + \delta_3 TAX_{it} + \delta_4 EDU_{it} + \delta_5 CR_{it} + \omega_{it} \quad (۴)$$

1- Gujarati

$$QG_{it} = \varphi_0 + \varphi_1 GDP_{it} + \varphi_2 NAR_{it} + \varphi_3 TAX_{it} + \varphi_4 EDU_{it} + \varphi_5 PR_{it} + \delta_{it}(\delta)$$

که در آنها QG، شاخص کیفیت حکمرانی است. کافمن و همکاران (۲۰۱۰)، حکمرانی را " راه، روش‌ها و نهادهایی که متصدیان امور در هر کشور اعمال می‌کنند" تعریف می‌کنند که شامل (الف) فرایندی است که در آن دولت انتخاب، نظارت و جایگزین؛ (ب) ظرفیت دولت در ایجاد و پیاده‌سازی سیاست؛ (ج) احترام شهروندان و حکومت برای نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است. شاخص کیفیت حکمرانی شامل ۱: حق اظهار نظر و پاسخگویی^۱؛ ۲: ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت^۲؛ ۳: اثربخشی دولت^۳؛ ۴: کیفیت مقررات^۴؛ ۵: حاکمیت قانون^۵؛ ۶: کنترل فساد است. هر یک از این شاخص‌ها بین بازه ۲/۵-۲/۵+ عددی را اختیار می‌کند. با میانگین‌گیری حسابی از این شش شاخص، شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه می‌شود. هرچه قدر این شاخص بزرگ‌تر باشد نشان از کیفیت بالای حکمرانی است. داده‌های شاخص کیفیت حکمرانی برای کشورهای مورد بررسی از داده‌ها و اطلاعات شاخص حکمرانی خوب (WGI)^۶ بانک جهانی (۲۰۱۸) استخراج شده است. GDP، تولید ناخالص داخلی سرانه، به عنوان جایگزینی برای درجه توسعه‌یافتگی کشورها استفاده شده است. داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه از داده‌ها بانک جهانی تهیه شده است. واحد مربوط به تولید ناخالص داخلی کشورها، دلار می‌باشد. NAR، شاخص مربوط به رانت کل منابع طبیعی^۷ اعم از رانت نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، معدن و جنگل می‌باشد. این شاخص از تفاوت بین ارزش تولیدات منابع طبیعی از کل هزینه‌های تولید نسبت به تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. داده‌های مربوط به رانت منابع طبیعی از داده‌ها بانک جهانی استخراج شده است. TAX، متغیر مربوط به کل درآمدهای مالیاتی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی است. داده‌های مربوط به درآمدهای مالیاتی دولت از داده‌های صندوق بین‌المللی پول^۸ استخراج شده است. URP، شاخص بیان‌کننده نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری به کل جمعیت است که توسط مرکز آمار هر کشور ارائه می‌شود. داده‌های جمعیت شهری از داده‌های بانک جهانی تهیه شده است. PF، شاخص مربوط به آزادی مطبوعات^۹ می‌باشد. مقدار این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ است. با افزایش مقدار این شاخص، آزادی مطبوعات کاهش می‌یابد. داده‌های مربوط به آزادی مطبوعات از آمار خانه آزادی^{۱۰} تهیه شده است. EDU، شاخص مربوط به سرمایه آموزش^{۱۱} است. در این تحقیق از متوسط سال‌های تحصیل به عنوان نماینده سرمایه‌آموزش استفاده شده است. داده‌های مربوط به آن از داده‌های سازمان علمی و فرهنگی آموزش سازمان ملل متحد^{۱۲} استخراج شده است. PR، شاخص مربوط به حقوق سیاسی^{۱۳}

1-Voice & Accountability

2- Political Stability & Absence of Violence/Terrorism

3- Government Effectiveness

4- Regulatory Quality

5- Regulatory Quality

6- Control of Corruption

7- World Governance Indicators

8- Total natural resources rents

9- International Monetary Fund (IMF)

10- Press Freedom

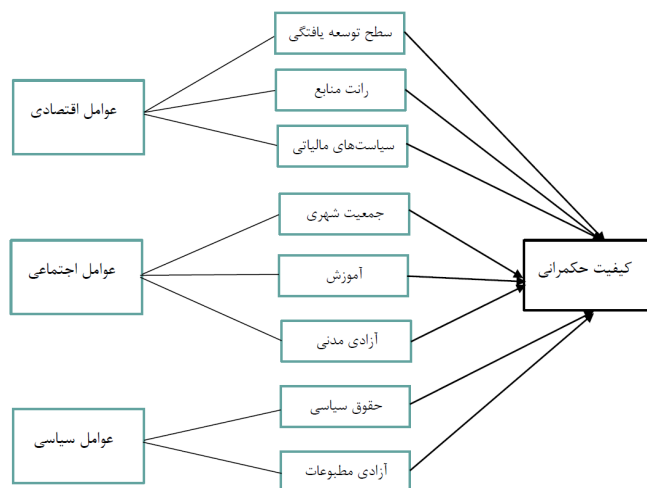
11- Freedom House

12- Education Capital

1- United Nations Educational Scientific & Cultural Organization (UNESCO)

2- Political Rights

است. این شاخص دارای سه زیر مجموعه است. ۱: فرآیند انتخابات ۲: کثرت سیاسی و مشارکت سیاسی ۳: عملکرد دولت، مقدار این شاخص بین ۰ تا ۴۰ می‌باشد. با افزایش مقدار شاخص، حقوق سیاسی افزایش می‌یابد. اطلاعات مربوط به حقوق سیاسی از اطلاعات خانه آزادی استخراج شده است. CR: شاخص مربوط به آزادی مدنی^۱ می‌باشد. این شاخص دارای چهار مؤلفه است: (۱) آزادی بیان نظرات و اعتقادات (۲) حق مشارکت در سازمان‌ها (۳) حاکمیت قانون (۴) استقلال فردی و حقوق فردی. مقدار شاخص آزادی مدنی بین ۰ تا ۶۰ می‌باشد، با افزایش مقدار شاخص آن، آزادی مدنی افزایش پیدا می‌کند. اطلاعات آزادی مدنی از داده‌های خانه آزادی تهیه شده است. در این مطالعه از اطلاعات و داده‌های ۳۲ کشور منتخب که به طور متوسط دارای رانت منابع طبیعی بالای ۵ درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی بوده‌اند، از دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ استفاده شده است.^۲ در ادامه شکل کلی‌تری از متغیرهای توضیح دهنده کیفیت حکمرانی ارائه شده است.



نمودار ۱- تفکیک متغیرهای توضیح دهنده کیفیت حکمرانی
مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴-۱- توصیف داده‌ها

3- Civil Rights

4- به دلیل محدودیت‌های در دسترسی به آمارهای برخی از متغیرهای استفاده شده در تحقیق برای برخی از کشورهای مورد مطالعه، امکان استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های اخیر وجود نداشت، از این رو از آمار و اطلاعات از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۵ استفاده شده است. کشورهای منتخب شامل: ۱- الجزایر ۲- مصر ۳- ایران ۴- عراق ۵- لیبی ۶- عمان ۷- قطر ۸- عربستان ۹- امارات ۱۰- یمن ۱۱- آذربایجان ۱۲- قزاقستان ۱۳- نروژ ۱۴- روسیه ۱۵- اندونزی ۱۶- مالزی ۱۷- ویتنام ۱۸- کامرون ۱۹- چاد ۲۰- کنگو دموکراتیک ۲۱- جمهوری کنگو ۲۲- غنا ۲۳- نیجریه ۲۴- بولیوی ۲۵- اکوادور ۲۶- ونزوئلا ۲۷- کانادا ۲۸- بحرین ۲۹- کویت ۳۰- شیلی ۳۱- آفریقای مرکزی ۳۲- مغولستان

بررسی و توصیف آماری متغیرهای مورد استفاده در تحقیق امکان شناخت صحیح از شرایط موجود کشورهای مورد بررسی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.^۱ در جدول شماره یک آمارهای توصیفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی کشورهای منتخب (۲۰۱۵-۲۰۰۲)

متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه
QG	-0/42542	1/81	-1/89
GDPP	14886/25	96870/46	262/97
NAR	22/47	64/11	0/938
TAX	13/23	44/99	0/2997
EDU	8/49	13/2	1/7
PF	63/75	96	9
URP	63/89	100	21/702
PR	16/23	40	1
CR	26/36	60	1

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به ارقام جدول (۱) بالاترین مقدار شاخص کیفیت حکمرانی با مقدار 1/81 مربوط به کشور نروژ و کمترین شاخص کیفیت حکمرانی برای کشور عراق با مقدار 1/89- می‌باشد. بیشترین مقدار درآمد سرانه مربوط به کشور کویت با میزان 96870/46 دلار و کمترین میزان درآمد سرانه 262/97 دلار برای کشور دموکراتیک کنگو است. بالاترین میزان رانت منابع طبیعی مربوط به کشور عراق با 64/11 درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۵ و کمترین رانت برای کشور کانادا در سال ۲۰۱۵ با 0/938 درصد گزارش شده است. بالاترین نسبت درآمدهای مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی در کشور الجزایر در سال ۲۰۰۸ با 44/99 درصد بوده است. همچنین کمترین درآمد مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی مربوط به کشور عراق در سال ۲۰۰۴ با میزان 0/2997 درصد است. بیشترین سال‌های متوسط تحصیل برای کشور کانادا با 13/2 سال و کمترین متوسط سال‌های تحصیل 1/7 سال متعلق به کشور یمن است. کمترین آزادی مطبوعات مربوط به کشور لیبی با مقدار ۹۶ و بیشترین آزادی مطبوعات در کشور نروژ با شاخص ۹ بوده است. بیشترین میزان شهرنشینی مربوط به کشور کویت با ۱۰۰ درصد و کمترین میزان شهرنشینی با ۲۱ درصد در کشور چاد است. بیشترین میزان حقوق سیاسی و حقوق مدنی مربوط به کشورهای کانادا و نروژ به ترتیب با مقدار ۶۰ و ۴۰ است. کمترین میزان حقوق سیاسی و حقوق مدنی برای کشورهای لیبی و عربستان است.

۱- در این پژوهش به دلیل اینکه شاخص حکمرانی بین ۲/۵- تا ۲/۵+ است و امکان لگاریتم‌گیری از شاخص حکمرانی وجود ندارد. با جمع کردن شاخص حکمرانی کشورها با عدد ۲/۵، شاخص حکمرانی بین بازه ۰ و ۵ قرار گرفته و امکان لگاریتم‌گیری وجود دارد. در آمارهای توصیفی از مقدار خود شاخص استفاده شده است.

۵- برآورد مدل و تحلیل نتایج تجربی

۵-۱- بررسی پایایی متغیرها

پیش از برآورد مدل‌های مورد بررسی، پایایی متغیرهای استفاده شده در مطالعه مورد آزمون قرار می‌گیرد. آزمون‌های مربوط به پایایی مدل‌های تابلویی عبارتند از: بریتونگ^۱، فیلیپس پرون^۲، پسران و شین^۳، دیکی فولر تعمیم یافته^۴، لوین، لین و چو^۵. در این مطالعه از آزمون لوین، لین و چو برای بررسی پایایی متغیرها استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر به وجود ریشه واحد (عدم پایا بودن متغیرها) تأکید دارد (بالتاجی، ۲۰۰۴: ۲۴۰). با توجه به نتایج جدول (۲) همه متغیرها در سطح معناداری ۵ درصد پایا هستند.

جدول ۲- آزمون پایایی متغیرها

متغیر	آزمون لوین، لین و چو	
	آماره t	احتمال
LQG	-2/96	0/000
LGDP	-8/96	./...
LNAR	-2/51	0/006
LTAX	-4/45	0/000
LPF	-8/09	0/000
LURP	-11/11	0/000
LEDU	-19/98	0/000
LCR	-39/08	0/000
LPR	-24/41	0/000

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵-۲- آزمون F لیمر ۷ و هاسمن ۸:

برای برآورد مدل‌ها به روش داده‌های تابلویی، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود که در آن فرضیه H_0 (یکسان بودن عرض از مبدأها) در مقابل فرضیه H_1 (متفاوت بودن عرض از مبدأها) آزمون می‌شود. آماره این آزمون بر

- 1- Breitung
- 2- Phillips- Perron
- 3- Im, Pesaran & Shin
- 4- Dickey Fuller
- 5- Levin, Lin & Chu(LLC)

۶- لوین، لین و چو استدلال می‌کنند که آزمون‌های ریشه واحد فردی دارای قدرت محدود شده‌ای در برابر فرض‌های جایگزین که انحرافات پایدار از تعادل دارند، مواجه می‌باشند. به طور خاص در نمونه کوچک نمایان‌تر است. لوین، لین و چو آزمون ریشه واحد معتبرتری نسبت به هر آزمون ریشه واحد ارائه می‌کنند. در این آزمون فرضیه صفر به وجود ریشه واحد و فرضیه مقابل بر پایا بودن متغیر تأکید دارد (بالتاجی، ۲۰۰۴: ۲۴۰).

- 7- F-Limer test
- 8- Hausman Test

مبنای مقایسه مجموع مربعات پسماندهای مقید حاصل از برآورد مدل به روش اثرات مشترک و مجموع مربعات پسماند های غیر مقید حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت می باشد.

$$F = \frac{R_{ur}^2 - R_r^2 / N - 1}{1 - R_{ur}^2 / NT - N - K} \sim F_{N-1, NT-N-K}(\epsilon)$$

که در این رابطه R_{ur}^2 : ضریب تعیین غیر مقید حاصل از تخمین مدل به روش اثرات ثابت، R_r^2 : ضریب تعیین مقید حاصل از تخمین مدل به روش اثرات مشترک N : تعداد مقاطع T : تعداد مشاهدات سری زمانی K : تعداد متغیر های توضیحی مدل می باشد. $N-1$: درجه آزادی صورت و $(NT - N - K)$ درجه آزادی مخرج است. تحت فرضیه صفر در این آزمون تفاوتی بین مقاطع وجود ندارد و فرضیه مقابل بیان می کند که تفاوت بین مقاطع وجود دارد. به عبارت دیگر این دو فرضیه را می توان به صورت زیر نمایش داد:

$$H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_N \quad \text{تفاوت بین مقاطع وجود ندارد.}$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j \quad \text{تفاوت بین مقاطع وجود دارد.}$$

اگر مقدار F محاسبه شده از F جدول بزرگتر باشد، می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می شود. در این صورت تفاوت بین مقاطع را می توان پذیرفتو مدل مربوط به روش داده های تابلویی برآورد می شود.

۳-۵-آزمون هاسمن:

گام بعدی پس از تایید وجود ناهمگنی در مقاطع، تعیین نوع اثر متغیرهای توضیحی است. بدین منظور، با استفاده از آزمون هاسمن به بررسی روش برآورد (اثرات ثابت، اثرات تصادفی) پرداخته می شود. فرضیه های صفر و مقابل در این آزمون به شرح زیر می باشد:

$$H_0: \quad \text{وجود اثرات تصادفی}$$

$$H_1: \text{وجود اثرات ثابت}$$

در جدول (۳) نتایج مربوط به آزمون F لیمر و هاسمن ارائه شده است. نتایج آزمون ها روش داده های تابلویی اثرات ثابت را تایید می کنند (بالتاجی، ۲۰۰۴).

جدول ۳- نتایج آزمون های F لیمر و هاسمن

معادله	آزمون F لیمر	آزمون هاسمن	نتیجه
معادله (۱)	103/11 (0/0000)*	26/29 (0/0001)*	داده های تابلویی و اثرات ثابت
معادله (۲)	305/9 (0/000)*	29/17 (0/000)*	داده های تابلویی و اثرات ثابت
معادله (۳)	129/68 (0/000)*	21/29 (0/000)*	داده های تابلویی و اثرات ثابت
معادله (۴)	328/29	38	داده های تابلویی و اثرات ثابت

	(0/000)*	(0/000)*	
داده‌های تابلویی و اثرات ثابت	29/03 (0/000)*	450/441 (0/000)*	معادله (۵)

*: ارقام داخل پرانتز مقدار احتمال می‌باشند

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴-۵- نتایج برآورد

نتایج حاصل از برآورد مدل‌های مربوط به روش داده‌های تابلویی و اثرات ثابت در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴- نتایج برآورد مدل‌های تصریح شده

متغیر وابسته	QG	QG	QG	QG	QG
	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
متغیر توضیحی					
Constant	1/79 (0/000)*	0/872 (0/000)*	1/24 (0/007)*	0/099 (0/29)*	0/16 (0/14)*
LGDP	0/093 (0/000)*	0/068 (0/000)*	0/126 (0/000)*	0/11 (0/000)*	0/12 (0/000)*
LNAR	-0/052 (0/0001)*	-0/050 (0/000)*	-0/039 (0/007)*	-0/048 (0/000)*	-0/04 (0/000)*
LTAX	0/096 (0/000)*	0/067 (0/000)*	0/1 (0/000)*	0/07 (0/000)*	0/08 (0/000)*
LURP	-0/383 (0/001)*	-0/023 (0/000)*	-0/49 (0/000)*	-	-
LPF	-0/109 (0/0185)*	-	-	-	-
LCR	-	0/053 (0/008)*	-	0/068 (0/004)*	-
LPR	-	-	0/08 (0/000)*	-	0/04 (0/000)*
LEDU	-	-	-	-0/32 (0/000)*	-0/36 (0/014)*
Observations	405	405	374	405	374
	$R^2 =$ 97/1	$R^2 =$ 97/1	$R^2 =$ 97/5	$R^2 =$ 97/5	$R^2 =$ 97/8

*: ارقام داخل پرانتز مقدار احتمال می‌باشند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته در جدول (۴)، بیانگر این است که در همه مدل‌های برآورد شده، تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر مثبت بر کیفیت حکمرانی دارد و مطابق با مبانی نظری است. با توجه به اینکه در این

پژوهش از متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان جایگزینی توسعه یافتگی کشورها استفاده شده است، کشورهایی که دارای درآمد بالاتر هستند، تمایلات (تقاضای) بیشتری به نهادهای با کیفیت دارند که با نتایج مطالعات (باس و گرونینگ، ۲۰۱۱؛ آلونسو و گاریسمارتین، ۲۰۱۳؛ معینی فرد و مهرآرا، ۱۳۹۴)، مطابقت دارد. متغیر دوم مربوط به رانت منابع طبیعی است که در همه مدل‌ها تأثیر منفی بر کیفیت حکمرانی دارد. بالا بودن سهم رانت منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی باعث افزایش فعالیت‌های رانت‌جویی می‌شود. از این‌رو کیفیت حکمرانی از طریق کاهش اثربخشی دولت، عدم پاسخگویی به دلیل وجود درآمد بادآورده حاصل از فروش منابع طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و با نتایج مطالعات (تسانی، ۲۰۱۳؛ باس و گرونینگ، ۲۰۱۱؛ معینی فرد و مهرآرا، ۱۳۹۴؛ محسنی‌زنوزی، شهبازی و پرناک، ۱۳۹۳؛ پورجوان و همکاران، ۱۳۹۲)، مطابقت دارد. متغیر بعدی سیاست‌های مالیاتی است که در این مطالعه از نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. کسب درآمد دولت از افراد جامعه سبب حساسیت بیشتر شهروندان به پاسخگویی دولت و سبب مشارکت فعال شهروندان در تصمیمات سیاسی می‌شود. در همه مدل‌ها، درآمدهای مالیاتی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حکمرانی دارد و با نتایج مطالعات (آلونسو و گاریسمارتین، ۲۰۱۳، معینی فرد و مهرآرا، ۱۳۹۴)، نیز مطابقت دارد. آزادی مطبوعات یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در کنار سایر متغیرهای سیاسی بر کیفیت حکمرانی است. افزایش آزادی مطبوعات بدین معناست که رسانه‌ها به صورت آزادانه و بی‌طرف امکان ارائه گزارشی کامل از فعالیت‌ها و عملکرد دولت داشته و مردم امکان دسترسی آسان به اطلاعات در مورد دولت را دارند و این خود منجر به افزایش کیفیت حکمرانی می‌شود. علامت منفی مربوط به آزادی مطبوعات بدین علت است که با افزایش شاخص مربوط به آن، آزادی مطبوعات کاهش پیدا می‌کند و با مطالعه باس و گرونینگ (۲۰۱۱)، مطابقت دارد. در برخی از مطالعات از متغیر جمعیت کل به عنوان متغیر جایگزین برای اندازه کشور استفاده شده است. اما در این مطالعه از متغیر نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت (نرخ شهرنشینی) استفاده شده است. با افزایش جمعیت شهری از یک سو سبب تسهیل در تقاضا و فشار در جهت افزایش کیفیت حکمرانی می‌شود. از سوی دیگر با افزایش جمعیت و جمعیت شهری با پدیده‌هایی مانند عدم تقارن اطلاعات، هزینه‌های بالای مبادله، افزایش درگیری و نزاع‌ها نژادی شده و همچنین پایین بودن حقوق سیاسی و آزادی مدنی در کشورهای مورد مطالعه مانع افزایش کیفیت حکمرانی می‌شود و با نتایج مطالعات (تسانی، ۲۰۱۳، باس و گرونینگ، ۲۰۱۱، معینی فرد و مهرآرا، ۱۳۹۴)، منطبق است. متغیرهای حقوق سیاسی و آزادی مدنی تأثیر مثبت و معنی‌داری با کیفیت حکمرانی دارند. حقوق سیاسی از نخستین و اصلی‌ترین سنجه‌های دموکراسی در یک کشور است. این شاخص بیشتر بر فرایند انتخابات، نقش گروه‌های مختلف اعم از گروه‌های (احزاب) رقیب، سازمان‌های غیر رسمی در تصمیم‌گیری‌ها دولت دارد. با افزایش شاخص حقوق سیاسی شاهد افزایش فعالیت احزاب رقیب شده و کیفیت حکمرانی افزایش می‌یابد. آزادی مدنی نیز همانند حقوق سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حکمرانی دارد. با افزایش آزادی تشکل‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی کیفیت حکمرانی افزایش خواهد یافت. عامل بعدی استفاده شده در این تحقیق، متغیر آموزش می‌باشد. به دلیل درجه آزادی مدنی پایین در کشورهای مورد مطالعه، سرمایه آموزش تأثیر منفی بر کیفیت حکمرانی گذاشته است. نتیجه حاصل شده با نتایج مطالعات قبلی مطابقت دارد.

در ادامه با برآورد ۴ مدل مجزا به بررسی اثر تعاملی شهرنشینی و آموزش با حقوق سیاسی و آزادی مدنی پرداخته شده است. در جدول (۵) متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، رانت منابع طبیعی، درآمدهای مالیاتی در کنار متغیرهای تعاملی به کار گرفته شده‌اند. در مدل اول متغیر شهرنشینی و تعامل آن با آزادی مدنی استفاده شده است. نتایج تخمین مدل اول نشان می‌دهد که افزایش همزمان شهرنشینی با آزادی مدنی سبب بهبود کیفیت حکمرانی می‌شود. در مدل دوم به جای اثر تعاملی آزادی مدنی و شهرنشینی از حاصل ضرب حقوق سیاسی و شهرنشینی استفاده شده است. نتایج تخمین مدل دوم نشان می‌دهد که اثر تعاملی شهرنشینی و حقوق سیاسی با کیفیت حکمرانی رابطه مثبت دارد. در مدل سوم و چهارم از متغیر آموزش و حاصل ضرب آزادی مدنی و حقوق سیاسی با آموزش استفاده شده است. همچنین نتایج تخمین مدل‌های سوم و چهارم بیان کننده مثبت بودن اثر تعاملی حقوق سیاسی و آزادی مدنی با آموزش است.

جدول ۵- برآورد الگوهای تصریح شده با در نظر گرفتن اثرات تعاملی شهرنشینی و آموزش با حقوق سیاسی و آزادی مدنی

متغیر وابسته	QG	QG	QG	QG
	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)
متغیر توضیحی				
Constant	1/44 (0/000)*	1/24 (0/075)*	0/099 (0/2986)*	-0/036 (0/8683)*
LGDGP	0/086 (0/001)*	0/126 (0/000)*	0/111 (0/000)*	0/138 (0/000)*
LNAR	-0/058 (0/000)*	-0/039 (0/007)*	-0/048 (0/007)*	-0/043 (0/001)*
LTAX	0/095 (0/000)*	0/1 (0/000)*	0/076 (0/000)*	0/124 (0/000)*
LURP	-0/444 (0/001)*	-0/571 (0/000)*	-	-
LEDU	-	-	-0/397 (0/000)*	-0/483 (0/000)*
LCR*LURP	0/018 (0/024)*	-	-	-
LPR*LURP	-	0/081 (0/000)*	-	-
LCR*LEDU	-	-	0/068 (0/004)*	-
LPR*LEDU	-	-	-	0/067 (0/000)*
Observations	405	405	374	374
	$R^2 = 97/1$	$R^2 = 97/5$	$R^2 = 97/5$	$R^2 = 97/8$

*: ارقام داخل پرانتز مقدار احتمال می‌باشند.

۶- نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

در این مطالعه ابتدا با بررسی شاخص رانت کل منابع طبیعی اعم از نفت، گاز، معدن، زغال سنگ و جنگل، کشورهایی که به طور متوسط دارای ۵ درصد رانت منابع طبیعی نسبت به تولید ناخالص داخلی بوده‌اند در دوره زمانی (۲۰۱۵-۲۰۰۲)، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مطالعات صورت گرفته در زمینه عوامل اثرگذار بر کیفیت حکمرانی، عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ۵ مدل مجزا برآورد شده است. نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کرد، این است که به دلیل برخی محدودیت‌های اطلاعاتی و داده‌ای امکان استفاده از عوامل فرهنگی، تاریخ کشورها و مذهب در برآورد مدل‌ها وجود نداشت. اما در کنار عوامل اقتصادی عوامل دیگری نظیر رانت منابع طبیعی و درآمد، عوامل سیاسی و اجتماعی بر کیفیت حکمرانی کشورها مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای رانت منابع طبیعی، تولید ناخالص داخلی سرانه، سیاست‌های مالیاتی (درآمدهای مالیاتی دولت)، به عنوان عوامل اقتصادی، آزادی مطبوعات و حقوق سیاسی عوامل اثرگذار سیاسی و جمعیت شهری، آموزش و آزادی مدنی به عنوان متغیرهای اجتماعی اثرگذار بر کیفیت حکمرانی انتخاب شده‌اند.

با توجه به نتایج برآورد مدل‌ها، پیشنهادهایی در جهت افزایش کیفیت حکمرانی در کشورهای مورد بررسی عبارتند از (۱) آزادی مطبوعات، با افزایش آزادی مطبوعات امکان دسترسی و آگاهی همه افراد جامعه از عملکرد دولت و سایر دستگاه‌های حکومتی مانند قوه قضائیه، مجلس قانون‌گذار وجود دارد، زیرا با نظارت همگانی و به خصوص مطبوعات بی‌طرف، کیفیت حکمرانی از طریق بهبود شاخص‌های اثربخشی دولت و کنترل فساد، افزایش خواهد یافت. (۲) آزادی مدنی، افزایش آزادی مدنی این امکان را برای شهروندان یک کشور می‌دهد که بتوانند به طور آزادانه و بدون هیچگونه اضطراب و تشویش به بیان نظرات، انتقادات پیشنهادها خود در مورد عملکرد دولت بپردازند. با بیان آزادانه نظرات و پیشنهادها یا آگاهانه و سازنده شهروندان و صاحب‌نظران علمی در بخش‌های مختلف، این امکان وجود دارد که با تصمیم عمومی فشارهایی از طرف شهروندان بر دولت مبنی بر تخصیص درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی در زیرساخت‌های اقتصادی که دارای اثرات جانبی مثبت است، بتوان یک اقتصاد غیر وابسته به فروش منابع طبیعی در بلندمدت ایجاد کرد.

منابع و مأخذ:

- پور جوان، عبدالله، شاه‌آبادی، ابوالفضل، قربان‌نژاد، مجتبی و امیری، حسین (۱۳۹۲). تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد داده‌های تابلویی GMM، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۱۶، صص ۳۲-۱.
- گجراتی، دامور (۱۳۹۳). مبانی اقتصادسنجی، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین، شهبازی، کیومرث و پرناک، روناک (۱۳۹۳). مطالعه اثر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک، *فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)*، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۵۶-۱۱۷.
- محمدزاده، یوسف، حکمتی فرید، صمد و شریفی، المیرا (۱۳۹۶). تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۳۲-۱۰.
- معینی‌فرد، مژگان و محسن مهرآرا (۱۳۹۴). تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه، *فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، دانشگاه الزهرا (س)، سال ۳، شماره ۹، صص ۳۲-۹.
- مرادی، ابراهیم، رهنما، علی و حیدریان، سمیرا (۱۳۹۶). تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد: مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۱۸۲-۱۵۱.
- میرترابی، سعید (۱۳۹۱). نفت سیاست و دموکراسی، انتشارات قومس
- Acemoglu, D., Johnson, S., & J.A. Robinson (2001). "The colonial origins of comparative development: An empirical investigation", *American Economic Review*, vol 91, No. 5 (December): 1369-401
- Acemoglu, D., Johnson, S., & J.A. Robinson (2002). "Reversal of fortunes: Geographi & institutions in the making of the modern world income distribution", *Quarterly Journal of Economics*, vol 117, No. 4 (November): 1231-94.

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). "Institutions as a fundamental cause of long-run growth". *Handbook of economic growth, 1*: 385-472.
- Alonso, J. A., & Garcimartín, C. (2013). "The determinants of institutional quality: More on the debate". *Journal of International Development, 25*(2): 206-226.
- Asongu, S. A., & Nwachukwu, J. C. (2017). "The impact of terrorism on governance in African countries". *World Development, 99*:253-270.
- Andersen, J.J., Johannesen, N., Lassen, D.D & Paltseva, E. (2017). "Perto Rents, Politics Institutions, & Hidden Wealth: Evidence from Offshore Bank". *Journal of Euorpan Economic Association, 15*(4): 818-860
- Arezki, R., & Gylfason, T. (2013). "Resource rents, democracy, corruption and conflict: evidence from sub-Saharan Africa". *Journal of Africa Economies, 22*(4):552-69
- Bhattacharya, S., & Hodler, R. (2010). "Natural resources, democracy, and corruption". *European Economic Review, 54*(4):608-621
- Baltagi, B. (2004). Econometric analysis of panel data.
- Beblawi, H. (1987). "The rentier state in the Arab world". *Arab Studies Quarterly, 3*:383-398.
- Busse, M., & Gröning, S. (2013). "The resource curse revisited: governance and natural resources". *Public choice, 154*(1-2): 1-20.
- Brollo, F., Nannicini, T., Perotti, R., & Tabellini, G. (2013). "The political resource curse". *American Economic Review, 103*(5): 1759-1796.
- Cohen, J., Holder-Webb, L., & Khalil, S. (2017). "A further examination of the impact of corporate social responsibility & governance on investment decisions". *Journal of Business Ethics, 146*(1): 203-218.
- Detotto, C., Giannoni, S., & Goavec, C. (2017). "Does good governance attract tourists?" *Universita DI Corsica Pasquale Paoli, NRS 6240 LISA Working Paper.*
- Fukuyama, F. (2013). "What is governance?" *Governance, 26*(3): 347-368.
- Greif, A. (2006). "Institutions and the Path to Modern Economy". Lessons from Medieval Trade, *Cambridge, Cambridge University Press.*
- Huang, C. J., & Ho, Y. H. (2018). "The Impact of Governance on Income Inequality in Ten Asian Countries". *Journal of Reviews on Global Economics, 7*: 217-224.
- Huang, C. J., & Ho, Y. H.(2016). "Governance and economic growth in Asia". *North American Journal of Economics and Finance. 39*: 260-272
- Karl, T. L. (2005). "Understanding the resource curse. Covering Oil: A Guide to Energy and Development, 21-27.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). "The worldwide governance indicators: methodology and analytical issues". *Hague Journal on the Rule of Law. 3*(2): 220-246.
- Luciani, G. (1986). "Public finance in the Arab countries". *International Development Resaerch Centre, Manuscript reports.*

- Luong, P. J., & Weinthal, E. (2010). "Oil is not a curse: Ownership structure and institutions in Soviet successor states". *Cambridge University Press*.
- Moore, B. (1993). "Social origins of dictatorship and democracy". *Lord and peasant in the making of the modern world*.
- North, D.C. (1993). "The new institutional economics and development", *WUSTLEconomic Working Paper Archive*
- North, D. C. (1990). "Institutions". *Journal of economic perspectives*, 5(1): 97-112.
- North, D. C., & Thomas, R. P. (1973). *The rise of the western world: A new economic history*. *Cambridge University Press*.
- Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1994). "Making democracy work: Civic traditions in modern Italy". *Princeton university press*.
- Rodrik, D., A. Subramanian & Trebbi, F. (2002). "Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development", *IMF Working Paper 02/189, Washington*.
- Ross, M. L. (2001). "Does oil hinder Democracy?". *World politics*, 53(3): 325-361.
- Ross, M. L. (2015). "What have we learned about the resource curse?". *Annual Review of Political Science*. 18: 239-259.
- Skocpol, T. (1982). "Rentier state and Shi'a Islam in the Iranian revolution" *Theory and society*. 11(3): 265-283.
- Treisman, D. (2007). "What have we learned about the causes of corruption from ten years of cross-national empirical research?". *Annual Review Political Science*. 10: 211-244.
- Tsani, S. (2013). "Natural resources, governance and institutional quality: The role of resource funds". *Resources Policy*. 38(2): 181-195.
- <https://databank.worldbank.org/data/source/world-development>.
- <https://www.freedomhouse.org/>
- <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2018/02/weodata/index.aspx>
- <https://en.unesco.org/>
- <https://hdr.undp.org/>